

## Prioritization of Ardabil City Areas in Order to Apply Strategies to Improve Urban Security

Mojtaba Arasteh<sup>1</sup>, Hamid Ghaffari<sup>2</sup>, Mohammad-Hossein Pourhassanzadeh<sup>3</sup>

Received: 2020/09/02 Accepted: 2020/11/28

### Abstract

**Background and objectives:** Security is one of the most basic human needs that has a special position in peace and increasing the quality of life of citizens. For this reason, paying attention to the security of citizens is always one of the basic priorities of urban management. The purpose of this study is to prioritize the areas of Ardabil in terms of factors and variables of urban security and propose strategies to improve security in these areas.

**Methodology:** The reasoning strategy of this research is deductive and its approach is quantitative. Documentary data of this research have been obtained from valid scientific-research sources and field data through questionnaire tools and application of experts' opinions. DEMATEL models, Network Analysis process and TOPSIS have also been used to analyze the research data.

**Findings:** Based on the theoretical framework of this study, ten criteria were extracted from valid domestic and foreign research sources to assess urban security in Ardabil, which are: resident participation, development of cultural and social spaces, definition of economic stimulus projects, increasing the clarity and readability of urban spaces, mixing of uses, standard population and settlement densities, providing optimal lighting of urban spaces at night, preventing the release of barren and ruined lands, coordinated and integrated management and setting environmental design criteria. Findings show that districts 3 and 4 in Ardabil have a higher priority in order to apply the criteria for improving urban security than other areas of the city.

**Results:** A summary of the opinions and views of local experts shows the need to apply the three criteria of development of cultural and social spaces, providing optimal lighting of urban spaces and coordinated and integrated management of urban security in Ardabil more than other criteria. In this regard, two practical proposals are proposed to reduce the level of insecurity in these areas: development of cultural, social and educational institutions in insecure neighborhoods; establishment of an institution in charge of urban security and operational planning and environmental design in order to prevent crime.

**Keywords:** Urban security, Suburbs, Social monitoring, Ardabil.

---

1 Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author). Email: m.arasteh@shirazu.ac.ir

2 MA in Urban Planning, Faculty of Architecture, Urban Planning and Art, Urmia University, Urmia, Iran.

3 MA in Urban Planning, Faculty of Architecture, Urban Planning and Art, Urmia University, Urmia, Iran.

Copyright © 2020 Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹

صص ۹۲-۶۹

## اولویت‌سنجی مناطق شهر اردبیل به منظور کاربست راهبردهای ارتقای امنیت شهری

معجتی آراسته<sup>۱</sup>، حمید غفاری<sup>۲</sup>، محمدحسین پورحسن‌زاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۸

### چکیده

**زمینه و هدف:** امنیت از بنیادی‌ترین نیازهای بشر بوده که جایگاه ویژه‌ای در آرامش و افزایش کیفیت زندگی شهروندان دارد. به همین دلیل، توجه به امنیت شهروندان همواره از اولویت‌های اساسی مدیریت شهری محسوب می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، اولویت‌بندی مناطق شهر اردبیل از منظر عوامل و متغیرهای امنیت شهری و پیشنهاد راهبردهای ارتقای امنیت در این مناطق می‌باشد.

**روش پژوهش:** راهبرد استدلالی این پژوهش قیاسی و رویکرد آن کمی است. داده‌های اسنادی این پژوهش از منابع علمی - پژوهشی معتبر و داده‌های میدانی از طریق ابزار پرسشنامه و اعمال نظرات متخصصین حاصل شده است. همچنین برای تحلیل داده‌های پژوهش از مدل‌های دیمتل، فرآیند تحلیل شبکه‌ای و تاپسیس استفاده شده است.

**یافته‌ها:** بر اساس چارچوب نظری این پژوهش، ده معیار از منابع معتبر پژوهشی داخلی و خارجی به منظور ارزیابی امنیت شهری در شهر اردبیل استخراج شد که عبارت‌اند از: مشارکت ساکنان، توسعه فضاهای فرهنگی و اجتماعی، تعریف پروژه‌های محرک اقتصادی، افزایش وضوح و خوانایی فضاهای شهری، اختلاط کاربری‌ها، تراکم‌های جمعیتی و ساختمانی استاندارد، تأمین روشنایی مطلوب فضاهای شهری در شب، جلوگیری از رهاسازی اراضی بایر و مخروبه، مدیریت هماهنگ و یکپارچه و تنظیم ضوابط طراحی محیطی. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد منطقه سه و چهار در شهر اردبیل، اولویت بیشتری به منظور به کارگیری معیارهای ارتقای امنیت شهری نسبت به مناطق دیگر شهر دارند.

**نتیجه‌گیری:** جمع‌بندی صورت گرفته از آراء و نظرات کارشناسان بومی نشان می‌دهد ضرورت کاربست سه معیار توسعه فضاهای فرهنگی و اجتماعی، تأمین روشنایی مطلوب فضاهای شهری و مدیریت هماهنگ و یکپارچه در موضوع امنیت شهری در شهر اردبیل بیش از سایر معیارها است. در همین راستا دو پیشنهاد کاربردی برای کاستن از سطح ناامنی در این مناطق پیشنهاد می‌شود: توسعه نهادهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در محلات ناامن؛ تأسیس نهاد متولی امنیت شهری و برنامه‌ریزی عملیاتی و طراحی محیطی در راستای پیشگیری از وقوع جرم.

**کلید واژگان:** امنیت شهری، محلات حاشیه‌نشین، نظارت اجتماعی، اردبیل.

۱ استادیار بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول):

m.arasteh@shirazu.ac.ir

۲ کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری، شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

۳ کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری، شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

## مقدمه

یکی از مفاهیم مهم در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پرداختن به مفهوم امنیت شهری است. امنیت از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد (نِمِث و اشمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۲۸۴). شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس امنیت از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می‌رود. این عوامل می‌تواند در جهت افزایش احساس امنیت و بالا بردن پویایی و شکوفایی جامعه مؤثر باشد (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۹). فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان، باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی، جنسی و اجتماعی، محیطی امن، سالم و پایدار و جذاب را برای همه اقشار فراهم آورد و به نیاز تمامی قشرها پاسخ مناسب دهد و پاسخگویی حداقل نیازها باشد (احسانی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱۸). توزیع فضایی جرائم و مجرمان در سراسر شهر تصادفی نیست و بعضی از نقاط، میزان جرائم بیشتری را تجربه می‌کنند (کوزنز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۴۸۶). امروزه اهمیت و ضرورت برقراری امنیت در فضاهای شهری به میزانی است که اعمال آن در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری، نه تنها موجب ارتقا کیفیت زندگی شهروندان شده، در عین حال زمینه حضور بیشتر شهروندان و گردشگران داخلی و خارجی را در فضاهای شهری مهیا می‌سازد. پرواضح است عدم توجه به این مقوله و مشکلات ناشی از آن، خود می‌تواند زمینه‌ساز چالش‌ها و مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی دیگری برای مدیران شهری شود. شهر اردبیل در سال‌های اخیر به دلیل رشد سریع جمعیت و همچنین پیدایش بافت‌های حاشیه‌ای در مناطق مختلف آن، با مشکلاتی در زمینه امنیت شهری مواجه است. برخی از محلات این مناطق به دلیل ویژگی‌هایی همچون تراکم جمعیتی بالا،

1 Németh & Schmidt

2 Cozens

سکونت مهاجران، بیکاری جوانان، گسترش فقر و فساد، فرسودگی و فشرده‌گی بافت، شرایط کالبدی نامناسب، وجود معابر کم‌عرض و سطح نفوذپذیری پایین در بافت مسکونی، از کمبود امنیت رنج می‌برند. این پژوهش در پی پاسخ به دو سؤال است؛ سؤال اول اینکه معیارهای مؤثر بر ارتقاء امنیت شهری چیست؟ سؤال دوم اینکه بر اساس این معیارها، چه مناطقی در شهر اردبیل اولویت بیشتری برای ارتقاء امنیت شهری دارند؟

### مبانی نظری

پیشینه نظری تحقیقات امنیت شهری از دو منظر قابل بررسی است. گروهی از مطالعات با بهره گرفتن از الگوی توصیفی، به چیستی و تبیین مقوله امنیت شهری و اینکه نامی در کدام نواحی شهر ممکن است بیشتر رخ دهد، پرداخته‌اند. گروهی دیگر، از الگوی تحلیلی یا ترکیبی (توصیفی-تحلیلی) بهره برده‌اند و علاوه بر تفسیر چرایی و چگونگی وقوع جرم در محلات ناامن، به تبیین راهبردها، راهکارها و پیشنهادهایی برای کاهش سطح ناامنی‌ها پرداخته‌اند. در این بخش به مرور پیشینه تحقیقات انجام شده از هر دو منظر پرداخته خواهد شد:

دوکسن<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در پژوهشی بر نقش مهم نظارت اجتماعی در خیابان‌ها به عنوان یکی از راه‌های اثبات شده برای غلبه بر ترس از جرم و جنایت تأکید کرده است و نشان می‌دهد که چگونه این نظارت اجتماعی می‌تواند از طریق برنامه‌ریزی و طراحی بهبود یابد. شنایدر و کیچن<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) به نقش سازنده برنامه‌ریزان شهری به عنوان واسطه و تسهیل‌گر روابط میان مدیران شهری، پلیس، متخصصان طراحی محیطی، مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره می‌کنند و معتقدند با ایجاد بسترهای فرهنگی و آموزشی، تعامل میان این افراد و گروه‌ها می‌تواند به طور مؤثری به افزایش همکاری تیمی و در نتیجه، کاهش سطح ناامنی در فضاهای شهری و محیط‌های مسکونی منجر شود. کرو<sup>۳</sup> (۲۰۱۳)

1 Doeksen

2 Schneider & Kitchen

3 Crowe

بر این موضوع تأکید دارد که اتمسفر محیطی که طراحی مناسبی دارد، می‌تواند قدرت بازدارندگی و غالب بودن خود را بر بزه‌کاران تحمیل کند. کوزنز<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) بیان می‌کند که طراحی محیط‌های مسکونی و فضاهای شهری بر مبنای کاهش میزان جرم و جنایت یک ابزار حیاتی برای کمک به توسعه پایدار شهری است. لی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود بر تقویت تبلیغات و آموزش شهروندان، وضع قوانین و مقررات مرتبط و مدیریت قانونی برای ارتقای امنیت شهرها تأکید دارند. اتلس<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) تأکید می‌کند که نورپردازی در فضاهای شهری احتمال وقوع جرم را در شب کاهش می‌دهد.

کارگر (۱۳۸۸) معتقد است سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشین، به دلیل وجود معضلات و مشکلات متعدد در ابعاد کالبدی، زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همواره مستعد وقوع جرم و ناامنی هستند. افصح حسینی (۱۳۸۸) بر این موضوع تأکید می‌کند که به منظور دستیابی به امنیت شهری پایدار در شهرهای ایران، لازم است تا تهدیدهای ناشی از ابعاد مختلف امنیت شهری از قبیل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی، مدیریتی و قوانین و مقررات، با مشارکت مردم و بخش خصوصی و از طریق تشکیل یک سازمان اصلی متولی امنیت شهری، حذف گردد. صالحی (۱۳۹۰) بر نقش مدیریت یکپارچه محلی با محوریت شهرداری تأکید دارد؛ زیرا شهرداری به طور مستقیم بر نحوه شهرسازی و ایجاد کیفیت محیطی مطلوب برای شهروندان نظارت دارد و با کنترل ضوابط کاربری زمین، تراکم و شبکه معابر، به طور غیرمستقیم احساس امنیت و رضایت را در شهروندان ارتقاء می‌دهد. آراسته (۱۳۹۰) بر این نکته تأکید دارد که سطح امنیت در بافت تاریخی و مرکزی شهر یزد، به دلیل مهاجرت جمعیت اصیل به مناطق پیرامونی و نوساز، فرسودگی نسبی کالبد، تاریکی معابر در شب‌ها، افزایش بناهای مخروبه و فضاهای رهاشده، پایین است. محمدیان (۱۳۹۴) معتقد است متغیرهای

1 Cozens

2 Li

3 Atlas

متعددی مانند فرسودگی ساختمان‌ها، باریکی، تنگی کوچه‌ها، وجود فضاهای بلااستفاده و کاربری‌های ناسازگار می‌توانند رابطه مستقیمی با کاهش امنیت محلات در شهر ایلام داشته باشند. میکائیلی (۱۳۹۵) رابطه میان فضای شهری و امکان بروز مؤلفه‌های خشونت را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که فضاهای بی‌دفاع به سبب ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی، به صورت بالقوه پذیرای خشونت و ناامنی هستند. در نهایت درویشی (۱۳۹۱) بر آسیب‌شناسی و چرایی بروز ناامنی‌ها در محلات شهر اردبیل پرداخته و معتقد است رشد روزافزون مهاجرت‌ها از پیرامون به مرکز به مرور مسئله حاشیه‌نشینی را به وجود آورده است.

### تبیین معیارهای مؤثر بر ارتقاء امنیت شهری

**مشارکت ساکنان:** در همه جوامع دنیا، مشارکت مردمی در رویدادهای اجتماعی و طرح‌های توسعه شهری، می‌تواند دارای پیامدها و اثرات مثبتی باشد. یکی از اثرات مشارکت عمومی، افزایش امنیت اجتماعی است (جوی و لی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۱۶۵)؛ زیرا در این جوامع، شهروندان به صورت خودجوش و یا از طریق همکاری با پلیس و نهادهای نظارتی - امنیتی، اجازه وقوع اتفاقات نامتعارف در محلات خود را نمی‌دهند (رن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۴۶۴).

**وجود فضاهای فرهنگی و اجتماعی:** توسعه فضاهای فرهنگی-هنری و اجتماعی که یکی از بارزترین مصادیق فضاهای عمومی به شمار می‌روند، عرصه مناسبی را برای ارتقا حس مکان، سرزندگی و حضور پذیری شهروندان فراهم می‌آورند. افزایش میزان حضور شهروندان در فضاهای فرهنگی و اجتماعی، از یک سو موجب تقویت هویت فردی-اجتماعی شهروندان و انسجام سرمایه اجتماعی در جامعه گردیده (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵) و از سوی دیگر با توسعه این گونه فضاها، کنترل و نظارت همگانی ارتقا یافته و همین موضوع می‌تواند بر افزایش سطح امنیت عمومی جامعه

اثر گذار باشد (نمٹ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۹).

**تعریف پروژه‌های محرک اقتصادی:** پروژه‌های محرک توسعه به خصوص پروژه‌هایی که بر روی توانمندی اقتصادی یک ناحیه از شهر تمرکز دارند، نقش قابل توجهی در رونق اقتصادی، افزایش اشتغال و در نهایت احیاء حیات اجتماعی محلات دارند (هویت ۲، ۲۰۰۵: ۱۸۵). واضح است که با افزایش تقاضا برای کسب و کار و سکونت در این محلات و در ادامه افزایش حضور سایر شهروندان و مراجعه گردشگران، نظارت و کنترل مردم، پلیس و سایر نهادهای امنیتی بیشتر شده و سطح امنیت اجتماعی این محلات افزایش خواهد یافت.

**افزایش وضوح و خوانایی فضاهای شهری:** بسیاری از پژوهشگران بر این موضوع تأکید دارند که فرم و ساختار فضاهای شهری می‌تواند تأثیر بارزی در وقوع سرقت و جرم داشته باشد (فرانک<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۷). بررسی‌ها نشان می‌دهد ترس از انجام اعمال مجرمانه در فضاهای شهری که از وضوح و نفوذپذیری مناسبی برخوردارند، بیش از فضاهایی است که نفوذپذیری کمتری دارند (وایت<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰: ۵۷).

**اختلاط کاربری‌ها:** اختلاط کاربری می‌تواند مزایای متعددی همچون افزایش حس مکان، ارتقا جذابیت فضای شهری برای اقشار گوناگون، افزایش فرصت‌های شغلی و صرفه‌جویی در استفاده از زمین را به همراه داشته باشد (اسمیل‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰). در عین حال امنیت فضاهای شهری از طریق اختلاط کاربری تضمین می‌شود؛ زیرا با این اقدام، تنوع فعالیت‌ها در فضای شهری افزایش می‌یابد که همین موضوع می‌تواند به مراجعه اقشار مختلف شهروندان و گردشگران منجر شده و بر بازه زمانی حضور شهروندان در فضای شهری تأثیر قابل توجهی داشته باشد (رولی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶: ۸۵).

1 Nemeth  
2 Hoyt  
3 Frank  
4 White  
5 Rowley

**تراکم‌های جمعیتی و ساختمانی استاندارد:** پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میان تراکم ساختمانی و جمعیتی و امنیت شهری رابطه مستقیم وجود دارد؛ به طوری که در محلاتی که تراکم ساختمانی و جمعیتی بیشتری وجود دارد، سطح امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد (شهابیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴۰). در عین حال، در محلات کم تراکم، به دلیل اینکه خانه‌ها از یکدیگر دورتر می‌شوند، احتمال عدم صمیمیت همسایه‌ها افزایش می‌یابد و در نتیجه سطح همکاری و تعامل میان آن‌ها ضعیف می‌شود که این نیز به کاهش نظارت، تنزل سرمایه اجتماعی و تقلیل احساس امنیت در این گونه محلات دامن می‌زند (بروکنر و لارجر، ۲۰۰۸: ۱۸).

**تأمین روشنایی مطلوب فضاهای شهری در شب:** نورپردازی شهری، در واقع ترکیبی از نورپردازی معابر، بناها، مبلمان شهری، درختان، چراغ‌های راهنمایی رانندگی، صفحه‌های نمایش شهری و نورپردازی‌های موسمی است که علاوه بر ایجاد شرایط ادامه فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در هنگام شب، در ایجاد امنیت و آسایش و جذابیت فضاهای شهری نیز می‌تواند نقش بسزایی را ایفا کند (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).

**جلوگیری از رهاسازی اراضی بایر و مخروبه:** مردم به طور کلی از فضاهای ناشناخته و بناهای متروکه می‌ترسند؛ به این دلیل که این فضاها مستعد حضور بزه‌کاران و گروه‌های ناهنجار اجتماعی هستند (لوکایتوسیدریس و اک، ۲۰۰۷: ۳۸۲). از دیگر موارد تهدید احتمالی ناشی از وجود این فضاها تهدید روزافزون ناشی از تجمع معتادان و افراد بی‌خانمان است که به کاهش سطح بهداشت عمومی و امنیت اجتماعی در محدوده مورد نظر منجر می‌شود (عزیزی و آراسته، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

**مدیریت هماهنگ و یکپارچه:** در موضوع مدیریت بحران و تأمین امنیت شهروندان، اهمیت مدیریت هماهنگ و یکپارچه دوچندان است. از میان همه شاخص‌های مؤثر در

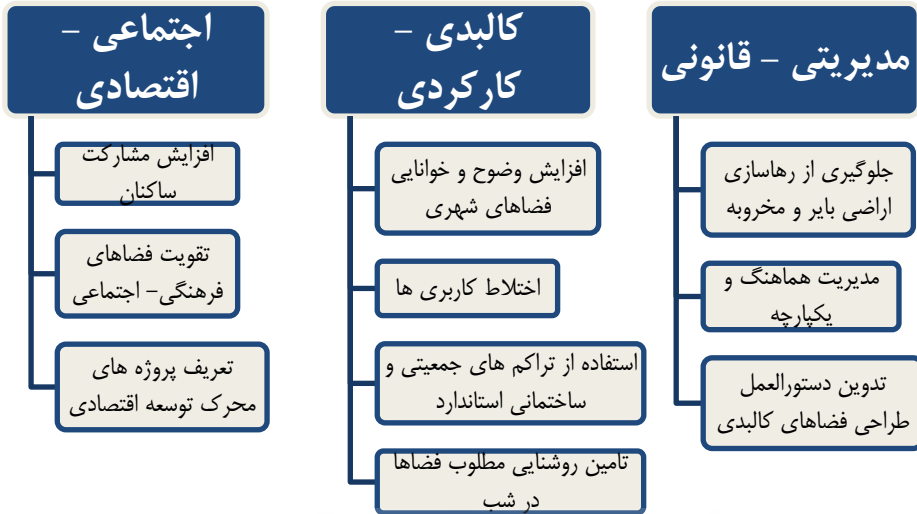
1 Brueckner &amp; Largey

2 Loukaitou-Sideris &amp; Eck



موضوع مدیریت یکپارچه در مقوله امنیت شهری، دو شاخص وحدت فرماندهی و تعریف ساختار تشکیلاتی مناسب بیشترین اثر را بر شکل‌گیری یک چارچوب مدیریتی هماهنگ دارد (رحمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۹). در نتیجه اگر یک مدیر شهری بخواهد الگوی قابل قبولی از حکمروایی را در شهر تحت مدیریت خود پیاده کند و رضایت شهروندان را از نحوه مدیریت افزایش دهد، پیش از هر کاری، باید با ساختار سایر مجموعه‌های نظارتی و مدیریتی تحت مدیریتش آشنا شود.

**تنظیم ضوابط طراحی محیطی:** طراحان شهری در فرایند پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی با شناسایی عوامل تهدیدکننده امنیت در فضاهای عمومی، ایمنی، آرامش ذهنی و آسایش جسمی را برای استفاده‌کنندگان از این فضاها فراهم می‌کنند (چراغی، ۱۳۹۷: ۲۷۲). در حقیقت طراحی فضاهای امن شهری با تدوین دستورالعمل‌های محیطی-کالبدی همچون طراحی موانع واقعی و سمبولیک، کنترل دسترسی‌ها، بسترسازی نظارت مردمی و نیروهای امنیتی از طریق طراحی مناسب پنجره‌ها، حمایت از استقرار فعالیت‌های مشروع و سخت نمودن دستیابی به هدف به‌وسیله دروازه‌ها و درهای هوشمند حاصل می‌شود (کوزنز و لاوا، ۲۰۱۵: ۴). همان‌گونه که ذکر شد، ده معیار بالا که بر اساس راهبرد استدلالی قیاسی و با مرور منابع معتبر داخلی و خارجی استخراج شده‌اند، ملاک ارزیابی امنیت شهری در ۴ منطقه شهر اردبیل خواهند بود. هر کدام از معیارها را می‌توان در یک سطح بالاتر و در ذیل عامل اجتماعی-اقتصادی، عامل کالبدی-کارکردی و عامل مدیریتی-قانونی طبقه‌بندی نمود. شکل (۱) نمودار روابط معیارها و عوامل کلان مؤثر بر امنیت شهری را نشان می‌دهد.



شکل ۱- معیارهای مؤثر بر ارتقای امنیت شهری (منبع: نگارندگان)

## روش پژوهش

راهبرد استدلالی این پژوهش بر مبنای رویکرد قیاسی استوار شده و رویکرد پژوهشی آن به صورت کمی است. ضمناً از دو نوع داده در این تحقیق استفاده شده است: نوع اول، داده‌های محتوایی و اسنادی هستند که برای گردآوری مبانی نظری مرتبط با موضوع امنیت شهری و استخراج معیارها و متغیرهای مرتبط مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نوع دوم، داده‌های دست اولی است که از طریق مراجعه به سازمان‌های علمی و اجرایی مربوطه (نیروی انتظامی استان اردبیل، اداره کل راه و شهرسازی استان اردبیل، شهرداری اردبیل و اساتید گروه برنامه‌ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی) و گفتگو با ۲۰ نفر از کارشناسان اهل فن برای امتیازدهی به معیارهای مرتبط با موضوع امنیت شهری حاصل شده است. تجزیه و تحلیل موضوع مورد پژوهش نیز در سه مرحله به شرح ذیل انجام گرفت: در مرحله اول با استفاده از مدل Dematel روابط درونی و بیرونی راهبردها در نرم‌افزار Excel مشخص گردید. در مرحله دوم، از مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای و نرم‌افزار Super Decisions برای به دست آوردن وزن و ضریب

اهمیت معیارها بهره گرفته شد. در مرحله سوم از مدل Topsis به منظور رتبه‌بندی مناطق شهر اردبیل استفاده گردیده است. قلمرو مکانی ارزیابی داده‌ها مبتنی بر چهار محدوده مدیریتی شهرداری اردبیل است. گسترش روزافزون شهرنشینی در این شهر، مسئله حاشیه‌نشینی و گسست اجتماعی-اقتصادی میان محلات و مناطق شهری را به وجود آورده و همین موضوع زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی و کاهش امنیت شهری را در بعضی از مناطق این شهر فراهم ساخته است؛ به طوری که می‌توان گفت امروزه منطقه ۱ اردبیل بیشترین مساحت سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های ناکارآمد شهری را در خود جای داده است. منطقه ۲ منطقه‌ای جدیدتر از سایر مناطق به شمار می‌رود که اغلب پهنه‌های تفریحی-خدماتی و شهرک‌های نوساز و دولتی در این منطقه به چشم می‌خورد. منطقه ۳ با ناحیه تاریخی و بافت میانی اردبیل همپوشانی دارد و نهایتاً منطقه ۴ این شهر نیز دارای چندین محله با بافت روستایی (ادغام شده در شهر) است که تنها در بخش‌هایی از نواحی شمالی آن بافت‌های مسکونی طراحی شده با معابر عریض دیده می‌شود.

## یافته‌ها

**مرحله اول - شناسایی روابط میان راهبردها با مدل Dematel:** در این مرحله بعد از طراحی پرسشنامه بر اساس طیف ۵ درجه رایج در مدل، از نظرات و آراء ۲۰ نفر از متخصصین مرتبط با حوزه برنامه‌ریزی و امنیت شهری استفاده گردید. در همین راستا، از نرم‌افزار Excel برای پیاده‌سازی مدل دیمتل و به دست آوردن رابطه میان معیارها استفاده گردید. برای پیشبرد روش دیمتل، نیاز به تنظیم ماتریس روابط اثرگذاری است. با ترسیم ماتریس روابط اثرگذاری، ارتباطات بین معیارهای مختلف واضح و روشن شده و مشخص می‌شود که کدام معیارها با هم رابطه دارند. جهت ترسیم نقشه روابط اثرگذاری باید ارزش آستانه محاسبه شود که در این پژوهش ارزش آستانه‌ای به دست آمده ۰/۳۹۷ می‌باشد. با این روش می‌توان از روابط جزئی صرف‌نظر کرده و شبکه روابط قابل اعتنا را ترسیم کرد. به عنوان مثال معیار «تقویت فضاها فرهنگی -

اجتماعی» بر معیارهای «افزایش مشارکت ساکنان»، «تعریف پروژه‌های محرک توسعه اقتصادی»، «افزایش وضوح و خوانایی فضاهای شهری»، «اختلاط کاربری‌ها»، «تأمین روشنایی مطلوب فضاها در شب» و «مدیریت هماهنگ و یکپارچه» تأثیرگذار است. نتایج تحلیلی دیگر به این صورت است که کم‌ترین تعامل را معیار «استفاده از تراکم‌های جمعیتی و ساختمانی استاندارد» با درجه تعاملی ۶/۹۴۵ و بیشترین تعامل را معیار «جلوگیری از رهاسازی اراضی بایر و مخروبه» با درجه تعاملی ۸/۶۹۵ دارا می‌باشند. همچنین تأثیرپذیرترین معیار «افزایش مشارکت ساکنان» با درجه ۱/۱۴۶- و تأثیرگذارترین معیار، «جلوگیری از رهاسازی اراضی بایر و مخروبه» با درجه تأثیرگذاری ۱/۱۶۴ بوده است.

**مرحله دوم- تعیین ضریب اهمیت معیارهای ارتقای امنیت شهری:** در مرحله دوم از مدل ANP استفاده شده است؛ به گونه‌ای که ابتدا، ساختار کلی مدل ANP (بر اساس ارتباط‌های تعیین شده در مرحله اول) تعریف شد. سپس پرسشنامه مقایسه‌های زوجی بر اساس طیف ۹ درجه رایج در مدل ANP تنظیم شد تا بر مبنای آن، از نظرات ۲۰ کارشناس منتخب استفاده گردد. بعد از اجرای مدل ANP، وزن نهایی و ضریب اهمیت هر یک از معیارها به دست آمد که نتایج در شکل (۲) ارائه شده است.

### وزن معیارهای اجتماعی - اقتصادی

- افزایش مشارکت ساکنان (۰/۲۸۳)
- تقویت فضاهای فرهنگی - اجتماعی (۰/۵۵۲)
- تعریف پروژه های محرک توسعه اقتصادی (۰/۱۶۶)

### وزن معیارهای کالبدی - کارکردی

- افزایش وضوح و خوانایی فضاهای شهری (۰/۳۱۵)
- اختلاط کاربری‌ها (۰/۳۰۱)
- استفاده از تراکم‌های جمعیتی و ساختمانی استاندارد (۰/۰۶۷)
- تامین روشنایی مطلوب فضاها در شب (۰/۳۱۷)

### وزن معیارهای مدیریتی - قانونی

- جلوگیری از رهاسازی اراضی بایر و مخروبه (۰/۳۲۴)
- مدیریت هماهنگ و یکپارچه (۰/۵۸۱)
- تنظیم ضوابط طراحی محیطی (۰/۰۹۵)

## شکل ۲- وزن نهایی معیارهای ارتقای امنیت شهری

یافته‌های این بخش از پژوهش نشان می‌دهد در میان معیارهای اجتماعی - اقتصادی، معیار «تقویت فضاهای فرهنگی - اجتماعی» بیشترین وزن و ضریب اهمیت را به دست آورده است. این معیار که بر مهیا نمودن زیرساخت‌های فرهنگی و فضاهای اجتماعی در محلات و فضاهای عمومی تأکید دارد در حقیقت به نظریه کنش ارتباطی هابرماس اشاره دارد (اجلالی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴۳). با ایجاد فضاهای فرهنگی و اجتماعی، حضور پذیری ساکنان محلات مختلف در این نقاط افزایش می‌یابد و زمینه گفتگو میان عقاید مختلف، هم‌زیستی و مشارکت میان شهروندان فراهم می‌شود. این امر می‌تواند به الگوی مناسبی از زندگی اجتماعی در میان شهروندان منجر شود که در نهایت به ارتقای امنیت اجتماعی و ثبات آن جامعه کمک زیادی می‌نماید. سایر معیارهای مهم دیگر در این طبقه که می‌توانند به افزایش امنیت در فضاهای شهری اردبیل کمک کنند، به ترتیب «افزایش مشارکت ساکنان» و «تعریف پروژه‌های محرک توسعه اقتصادی» است. از میان معیارهای کالبدی - کارکردی، «تامین روشنایی مطلوب فضاها در شب» ضریب اهمیت بیشتری را نسبت به دیگر معیارها به دست آورده است.

روشنایی فضاهای شهری موضوعی صرفاً تزئینی نیست، بلکه دارای نقشی بازدارنده در مقابل جرم و جنایت می‌باشد. بسیاری از پژوهش‌های حوزه امنیت شهری بر این نکته تأکید دارند که تأمین روشنایی مطلوب کوچه‌ها، معابر و خیابان‌ها در شب، احتمال وقوع جرم کاهش یافته و زمینه مساعدی برای افزایش نظارت توسط مردم و پلیس و ارتقای امنیت و در نهایت رضایتمندی شهروندان حاصل می‌شود (برای مطالعات بیشتر رجوع گردد به اتلس، ۲۰۱۳).

سایر معیارهای مهم این بخش به منظور ارتقا امنیت در فضاهای شهری اردبیل به ترتیب عبارت‌اند از: «افزایش وضوح و خوانایی فضاهای شهری»، «اختلاط کاربری‌ها» و «استفاده از تراکم‌های جمعیتی و ساختمانی استاندارد». در نهایت از میان معیارهای مدیریتی-قانونی، معیار «مدیریت هماهنگ و یکپارچه» بیشترین وزن و ضریب اهمیت را به خود اختصاص داده است. سایر معیارهای مهم این بخش که می‌توانند نقش سازنده و مؤثری در افزایش سطح امنیت فضاهای عمومی اردبیل داشته باشند به ترتیب عبارت‌اند از: «جلوگیری از رهاسازی اراضی بایر و مخروبه» و «تنظیم ضوابط طراحی محیطی».

**مرحله سوم-رتبه بندی مناطق از منظر امنیت شهری با استفاده از تکنیک Topsis:** بعد از به دست آوردن وزن معیارهای ارتقاء امنیت شهری در مرحله قبل، در سومین گام، از مدل تاپسیس جهت رتبه‌بندی مناطق شهر اردبیل از نظر میزان امنیت شهری استفاده گردیده است. برای این منظور ابتدا پرسشنامه‌ای بر اساس طیف لیکرت<sup>۱</sup> در بین ۲۰ متخصص ذی‌ربط با موضوع مورد نظر پخش گردید؛ با این مضمون که شرایط هریک از مناطق چهارگانه در اردبیل را بر اساس معیارهای به دست آمده، چگونه می‌بینید. بعد از به دست آوردن میانگین رتبه‌ها برای هر معیار در هر گزینه، فرمول‌ها و فرایندهای مدل Topsis در نرم‌افزار Excel پیاده‌سازی گردید. یافته‌های

این تحقیق نشان می‌دهد از میان مناطق چهارگانه شهر اردبیل، منطقه سه در اولویت اجرای معیارها و راهبردهای ارتقاء امنیت شهری قرار دارد (جدول ۱).

**جدول ۱- اولویت‌بندی مناطق شهر اردبیل به منظور کاربری راهبردهای امنیت شهری**

مناطق	منطقه یک	منطقه دو	منطقه سه	منطقه چهار
اولویت‌بندی	۳	۴	۱	۲
امتیاز	۰.۲۱۳	۰.۱۵۵	۰.۳۵۹	۰.۲۷۳

این منطقه بیشترین سکونتگاه‌های غیررسمی را در خود جای داده است. محلات میراشرف، سلمان آباد، آرازعلی (استاد شهریار)، اسلام آباد، کاظم آباد، سیدآباد، اروج آباد، گل‌مغان، ملایوسف و ملاباشی در این منطقه، محلاتی هستند که باید در اولویت به‌کارگیری راهبردهای ارتقای امنیت شهری قرار گیرند. در اولویت دوم برای به‌کارگیری راهبردهای ارتقای امنیت، منطقه چهار شهر اردبیل قرار دارد. در این منطقه نیز محلات حاشیه‌ای مانند ایران آباد، مهرآباد، دانش آباد، پناه‌آباد، حسین‌آباد و کلخوران قرار دارند که مطالعات میدانی نگارندگان نیز نشان می‌دهد که شرایط امنیتی و آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در این محلات مساعد نیست. اولویت سوم، منطقه یک شهر اردبیل است. درصد بالایی از مساحت این منطقه را بافت مرکزی و قدیمی شهر شکل داده است. بر اساس مطالعات میدانی نگارندگان، این منطقه نیز درگیر ناهنجاری‌های متعدد اقتصادی (مانند بیکاری و فقر) و اجتماعی (مانند اعتیاد، نزاع و سرقت) است. نهایتاً منطقه دو شهر اردبیل در اولویت چهارم قرار دارد. این منطقه دارای معایری عریض‌تر، بافت مسکونی جدیدتر و توسعه‌یافته‌تر از مناطق دیگر می‌باشد. در این منطقه شهرک‌های متعددی به چشم می‌خورد (مثل شهرک سبلان، شهرک مخابرات و شهرک کشاورزی) که اغلب آن‌ها دارای معایر وسیع و باز همراه با زیرساخت‌ها، تأسیسات مناسب و امکانات متعدد خدماتی-تفریحی (مانند دریاچه و پارک شورابیل) هستند.

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، اولویت‌بندی مناطق شهر اردبیل برای به کارگیری معیارهای ارتقای امنیت مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج نشان داد که منطقه سه شهر اردبیل که دارای بیشترین محلات حاشیه‌ای و سکونتگاه‌های غیررسمی است دارای پایین‌ترین میزان سطح امنیت اجتماعی است. اغلب محلات واقع در این منطقه، به دلیل نبود یا کمبود امکانات، خدمات و زیرساخت‌های شهری مناسب، تراکم جمعیتی بالا، تراکم ساختمانی غیراستاندارد، بیکاری، فقر، اعتیاد، نزاع و سایر لایه‌های پنهان فساد اجتماعی-اخلاقی، زمینه مناسبی را برای وقوع جرم و کاهش امنیت ساکنین و مراجعین به این محلات فراهم نموده‌اند. منطقه چهار نیز که در شمال منطقه ۳ واقع شده است شامل تعدادی از محلات حاشیه‌ای و چندین بافت روستا-شهری است که به دلایل مشابه، در رده دوم ناامنی قرار دارد. هرچند که به دلیل مساحت کمتر سکونتگاه‌های حاشیه‌ای و وجود شهرک‌های نوساز به همراه خدمات شهری مناسب‌تر، منطقه را در رده دوم ناامنی قرار داده است. نکته قابل ذکر این است که کارگر (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود این موضوع را تأیید می‌کند که سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشین در پیرامون شهر تهران، به دلیل وجود معضلات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی همواره مستعد وقوع جرم و ناامنی هستند (رجوع گردد به بخش پیشینه پژوهش). از سوی دیگر، منطقه ۱ حوزه مدیریتی شهرداری اردبیل که با بافت تاریخی و مرکزی این شهر همپوشانی دارد، در رتبه سوم ناامنی است. هرچند امنیت شهری در این ناحیه به دلیل تعدد فعالیت‌ها و تراکم جمعیتی، بیشتر از مناطق سه و چهار است، اما به دلیل اینکه کوچه‌پس‌کوچه‌های بافت تاریخی و ناحیه مرکزی اردبیل در طول ساعات شب به محلی خلوت و عاری از فعالیت تبدیل می‌شود، فضای مساعدی را برای تجمع بزهکاران و گروه‌های ناهنجار مهیا می‌کند. همین موضوع می‌تواند بستر مساعدی را برای افزایش ناامنی‌ها در این منطقه فراهم کند. این در حالی است که آراسته (۱۳۹۰) نیز بر پایین بودن سطح امنیت در بافت تاریخی و مرکزی شهر یزد، به دلیل مهاجرت



جمعیت اصیل به مناطق پیرامونی و نوساز، فرسودگی نسبی کالبد، تاریکی معابر در شب‌ها، افزایش بناهای مخروبه و فضاهای رهاشده تأکید دارد. در حقیقت این یافته‌ها بیانگر آن است که وجود ناامنی اجتماعی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای - غیررسمی و بافت‌های تاریخی - مرکزی به دلیل مشکلات متعدد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، امری مشترک است که برای کاهش یا از بین بردن آن، لازم است مدیران و مجریان مربوطه، به دنبال پیاده‌سازی معیارهای ارتقاء امنیت شهری و پیشنهاد راهبردها و راهکارهای سازنده در این زمینه باشند.

نتایج این پژوهش نشان داد که کارشناسان بومی و متخصص در زمینه برنامه‌ریزی امنیت شهری، از میان معیارهای ارتقاء امنیت شهری، بر پیاده‌سازی و اجرای سه معیار «توسعه فضاهای فرهنگی و اجتماعی»، «تأمین روشنایی مطلوب فضاهای شهری» و «مدیریت هماهنگ و یکپارچه» در شهر اردبیل بیش از سایر معیارها تأکید دارند. یافته‌های سایر محققان نیز بر اهمیت این معیارها صحنه می‌گذارد. به عنوان مثال اشنیدر و کیچن (۲۰۰۲) معتقدند با ایجاد بسترهای فرهنگی و آموزشی در محلات ناامن، می‌توان سطح تعامل میان ساکنین، سازمان‌های مردم‌نهاد، نیروهای پلیس، برنامه‌ریزان و مدیران شهری را افزایش داد که این موضوع به مرور منجر به کاهش سطح ناامنی در محیط‌های مسکونی خواهد شد. از سوی دیگر لی و همکاران (۲۰۱۲) بر تقویت تبلیغات و آموزش شهروندان برای ارتقاء امنیت شهرها تأکید دارند و معتقدند که گستره این آموزش می‌تواند در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد. معیار مهم بعدی، تأمین روشنایی مطلوب فضاهای شهری است که کارشناسان بومی تأکید دارند که کاربست آن می‌تواند نقش سازنده‌ای در امنیت فضاهای شهری داشته باشد. بسیاری از پژوهشگران نیز بر کارآمدی این موضوع تأکید دارند. به عنوان مثال مطالعات اتلس (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که نورپردازی در فضاهای شهری احتمال وقوع جرم را در طول شب کاهش می‌دهد؛ زیرا مجرمین و بزه‌کاران از انجام کار خلاف یا

هرگونه ناهنجاری‌های اجتماعی در فضاهای شهری نورپردازی شده در شب نیز گریزان هستند. او معتقد است که شهروندان نیز از حضور در فضاهای نورپردازی شده احساس امنیت بیشتری دارند که این موضوع می‌تواند به افزایش نظارت اجتماعی در این گونه فضاها کمک کند. در نهایت فراتر از همه این معیارها، لزوم مدیریت هماهنگ و یکپارچه در این زمینه به شدت احساس می‌شود؛ زیرا در نبود مدیریت هماهنگ، اگرچه که ممکن است یک یا چند سازمان دولتی یا غیردولتی مسئولیت خود در زمینه امنیت شهری را به خوبی پیش ببرند، اما ناهماهنگی یا سلب مسئولیت از دستگاه‌های دیگر ممکن است فرایند کاربست و اجرای امورات مرتبط با مقوله امنیت شهری را تحت الشعاع خود قرار دهد. سایر پژوهشگرانی نیز که در زمینه امنیت شهری قلم‌فرسایی کرده‌اند، بر اهمیت مدیریت یکپارچه، واحد و هماهنگ تأکید دارند. به عنوان مثال صالحی (۱۳۹۰) بر نقش مدیریت یکپارچه در اغلب زمینه‌ها از جمله امنیت شهری تأکید دارد و معتقد است هماهنگی یکپارچه دستگاه‌های متولی امنیت شهری، می‌تواند هم‌زمان همه مشکلات کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را پوشش دهد و با پیشبرد هم‌زمان مجموعه‌ای از راهبردها و راهکارهای مشخص، میزان ناامنی را در سطح محلات کاهش دهد. در ادامه به دو پیشنهاد کاربردی و کلان اشاره خواهد شد. برای هر پیشنهاد کلان نیز چند راهکار عملیاتی ارائه می‌شود. کاربست این پیشنهادها و راهکارها می‌تواند زمینه و بستر لازم را برای افزایش امنیت اجتماعی بخصوص در مناطق سه و چهار اردبیل مهیا نماید.

- توسعه نهادهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در محلات ناامن: توجه و تأکید بر امر آموزش در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی در سکونتگاه‌های ناامن، می‌تواند نقش مؤثری در آگاه‌سازی و تعامل میان ساکنین و سایر نهادهای ذی‌ربط باشد. بر همین اساس به چندین راهکار عملیاتی در این زمینه اشاره می‌شود: برگزاری دوره‌های مختلف آموزش حقوق شهروندی در فرهنگسراهای مناطق

در اولویت همچون فرهنگسرای انقلاب در منطقه سه و فرهنگسرای فجر در منطقه چهار؛ احداث سرای محله با هدف جذب و آموزش جوانان در مهم‌ترین محلات حاشیه‌ای از جمله سلمان آباد، آراز علی در منطقه سه و ایران آباد در منطقه چهار؛ تشکیل گروه مردمی «دیدبان محله» در مساجد هر یک از محلات مناطق سه و چهار به منظور نظارت بر اقدامات ارتقای امنیت اجتماعی، تشکیل کارگروه تخصصی افزایش امنیت اجتماعی متشکل از ساکنان و مسئولین در شهرداری مناطق سه، چهار و یک؛ تدوین و اجرای برنامه‌های جامع آموزش تربیت فرزند برای والدین در فرهنگسراهای فجر و انقلاب و در مساجد محلات؛ ایجاد مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در زمین‌های بایر و رها مانده در منطقه سه و چهار به منظور بالا بردن تخصص و مهارت نیروی کار موجود؛ برگزاری کارگاه‌های آموزشی رایگان برای آموزش مشاغل نوین برای زنان خانه‌دار در مساجد و فرهنگسراهای مناطق سه و چهار.

- تأسیس نهاد متولی امنیت شهری و برنامه‌ریزی عملیاتی و طراحی محیطی در راستای پیشگیری از وقوع جرم: به نظر می‌رسد فراتر از همه راهکارهای ارتقا امنیت شهری، ضرورت تأسیس نهاد متولی امنیت شهری که نقش مدیریت یکپارچه و هماهنگ با سایر بخش‌های دولتی و غیردولتی را بر عهده داشته باشد و سایر نهادها نیز از قدرت و محوریت این نهاد هماهنگ‌کننده تبعیت نمایند، احساس می‌شود. این نهاد علاوه بر هماهنگی میان نهادهای ذی‌ربط در موضوع امنیت شهری، لازم است بر روی فرایند برنامه‌ریزی عملیاتی و طراحی محیطی در راستای پیشگیری از وقوع جرم نظارت مستمر داشته باشد. در ادامه به چند راهکار عملیاتی که قابلیت اجرایی شدن توسط این نهاد دارد، اشاره می‌شود: نورپردازی کلیه معابر اصلی و معابر فرعی درجه ۱ واقع در بافت تاریخی اردبیل (منطقه یک)؛ کاشت و استفاده از پوشش گیاهی مناسب در باغ جیرال و

پارک میراشرف در منطقه سه به نحوی که مانع نور و دید افراد به ویژه در هنگام شب نشود؛ ساماندهی و بازطراحی فضاهای متروکه و رهاشده در لبه رودخانه‌های جیرال و ملامؤمن در مناطق سه و چهار؛ ایجاد و احداث فضاهای تفریحی و فراغتی سالم مانند سالن‌های ورزشی و کتابخانه در زمین‌های بایر منطقه سه و چهار همچون محلات اروج آباد، درویش آباد و ایران آباد به منظور جذب جوانان به این فضاها؛ استقرار کیوسک‌ها و ایستگاه‌های نیروی انتظامی در گره‌ها و تقاطع‌های مهم محلات حاشیه‌ای مانند تقاطع پنج راه در منطقه سه.

### سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند که مراتب قدردانی خود را از کارکنان محترم نیروی انتظامی استان اردبیل، اداره کل راه و شهرسازی استان اردبیل، شهرداری اردبیل و اساتید گروه برنامه‌ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی اعلام نمایند که نقش قابل توجهی در تکمیل پرسشنامه‌ها و پیشبرد این پژوهش داشته‌اند.

### منابع

۱. آراسته، مجتبی (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه فضاهای رهاشده شهری در بافت مرکزی شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه تهران.
۲. اجلالی، پرویز؛ رفیعیان، مجتبی و عسگری، علی (۱۳۹۱). نظریه برنامه‌ریزی: دیدگاه سنتی و جدید، تهران، نشر آگه.
۳. احسانی فرد، علی‌اصغر، شعاعی، حمیدرضا و مالکی شعاع، کیانا (۱۳۹۲). ارزیابی میزان احساس امنیت شهروندان در شهرهای جدید، مورد پژوهی: شهر جدید اشتهارد، دو فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۳۱: ۳۳۴-۳۱۷. قابل بازیابی از:

[http://ijurm.imo.org.ir/browse.php?a\\_id=59&slc\\_lang=fa&sid=1&ftxt=1](http://ijurm.imo.org.ir/browse.php?a_id=59&slc_lang=fa&sid=1&ftxt=1)

۴. اسمعیل پور، نجما؛ کارآموز، الهام و فخارزاده، زهرا (۱۳۹۴). ارزیابی اختلاط کاربری در فضای شهری خیابان و راهکارهای ارتقای آن (مورد نمونه: خیابان کاشانی در بافت میانی شهر یزد)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۰(۳)، ۱-۲۴. قابل بازیابی از:  
<http://georesearch.ir/article-1-94-fa.pdf>
۵. افصح حسینی، فاطمه‌السادات (۱۳۸۸). دستیابی به امنیت شهری پایدار در محلات ناامن شهری (نمونه موردی: محله خلایزیر واقع در منطقه ۱۹ شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. تقوایی، مسعود؛ وارثی، حمیدرضا و درکی، افشین (۱۳۹۰). بررسی نقش نورپردازی در توسعه گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲(۸): ۱-۱۸. قابل بازیابی از:  
[http://urs.ui.ac.ir/article\\_19978\\_d9aa1001752bbc25f1b78e22f258f3e1.pdf](http://urs.ui.ac.ir/article_19978_d9aa1001752bbc25f1b78e22f258f3e1.pdf)
۷. چراغی، فاطمه (۱۳۹۷). تبیین میزان امنیت در محیط‌های شهری با تأکید بر رویکرد طراحی امنیت محور (نمونه موردی: محله شهرری). فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۵۶(۲۶۷-۳۰۳). قابل بازیابی از:  
[http://sss.jrl.police.ir/article\\_92118\\_d7165ebaf85c9abd138c07be9517fa3d.pdf](http://sss.jrl.police.ir/article_92118_d7165ebaf85c9abd138c07be9517fa3d.pdf)
۸. درویشی، یوسف (۱۳۹۱). رشد شتابان شهری و آسیب‌شناسی کالبدی و اجتماعی در شهر اردبیل، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه پیام نور (شعبه مرکز).
۹. رحمت زاده، رسول؛ ابراهیم زاد یزدانی، میر هاشم و حضرتی، علیرضا (۱۳۹۶). بررسی تأثیرگذاری سازمان‌های مرتبط در امر مدیریت یکپارچه مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج با تأکید بر امنیت فضایی، فصلنامه دانش انتظامی البرز، ۵(۱۶): ۳۱-۶۲. قابل بازیابی از:  
[http://alborz.jrl.police.ir/article\\_16883\\_d49c08e9a7ce1e4d53f2f99f6b3d7d48.pdf](http://alborz.jrl.police.ir/article_16883_d49c08e9a7ce1e4d53f2f99f6b3d7d48.pdf)
۱۰. سجادیان، ناهید، اورکی، پریش و نعمتی، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (نمونه‌ی موردی: شهر ایذه)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۳(۲): ۸۷-۱۰۵. قابل بازیابی از:

<https://jgusd.um.ac.ir/article/view/51556/11904>

۱۱. شهبایان، پویان؛ تابان تراشکار، سپیده و توسلی، مریم (۱۳۹۷). تحلیل رابطه میان تراکم ساختمانی با مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی در محله تختی منطقه ۱۲ شهرداری شهر تهران با استفاده از مدل رگرسیون وزن‌دار فضایی، مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۲۵: ۳۲۹-۳۴۲. قابل بازیابی از:

[http://www.armanshahrjournal.com/article\\_85138\\_188db590c1ec695442be1ca59ce6c075.pdf](http://www.armanshahrjournal.com/article_85138_188db590c1ec695442be1ca59ce6c075.pdf)

۱۲. صالحی، اسماعیل (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی و طراحی محیطی امنیت در محیط‌زیست شهری، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.

۱۳. عزیزی، محمدمهدی و آراسته، مجتبی (۱۳۹۱). ارائه راهبردهای توسعه فضاهای رها شده شهری نمونه موردی: بافت تاریخی شهر یزد، نشریه هفت شهر، ۳(۴۱): ۱۰۴-۱۱۸. قابل بازیابی از:

[http://www.haftshahrjournal.ir/article\\_20493\\_1d6fdbcaf8fb6273c3266564b42a7de2.pdf](http://www.haftshahrjournal.ir/article_20493_1d6fdbcaf8fb6273c3266564b42a7de2.pdf)

۱۴. کارگر، بهمن (۱۳۸۸). فضا، جامعه و امنیت اجتماعی، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۵. لطفی، صدیقه؛ آنامرادنژاد، رحیم بردی و ساسانی‌پور، محمد (۱۳۹۳). بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی کلان‌شهر شیراز)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۱۹): ۳۹-۵۶. قابل بازیابی از:

[http://journals.ui.ac.ir/article\\_23735\\_b2578a14251217ac42ea8054ff1e91fd.pdf](http://journals.ui.ac.ir/article_23735_b2578a14251217ac42ea8054ff1e91fd.pdf)

۱۶. محمدیان، سکینه (۱۳۹۴). بررسی و سنجش مؤلفه‌های کالبدی اثرگذار بر احساس امنیت شهری (مطالعه موردی شهر ایلام)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، موسسه آموزش عالی باختر ایلام.

۱۷. میکائیلی، جعفر (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری در تهران و تحلیل جامعه‌شناختی آن، رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

18. Atlas, R. I. (2013). 21st century security and CPTED:

- Designing for critical infrastructure protection and crime prevention, Boca Raton, FL, USA, CRC Press.
19. Brueckner, J. K., & Largey, A. G. (2008). Social interaction and urban sprawl. *Journal of Urban Economics*, 64(1): 18-34. Retrieved: <https://doi.org/10.1016/j.jue.2007.08.002>
  20. Choi, K., & Lee, J. L. (2016). Citizen participation in community safety: a comparative study of community policing in South Korea and the UK. *Policing and society*, 26(2): 165-184. Retrieved:
  21. <https://doi.org/10.1080/10439463.2014.922087>
  22. Cozens, P., & Love, T. (2015). A review and current status of crime prevention through environmental design (CPTED). *Journal of Planning Literature*, 30(4): 393-412. Retrieved:
  23. <https://doi.org/10.1177%2F0885412215595440>
  24. Cozens, P. M. (2011). Urban planning and environmental criminology: Towards a new perspective for safer cities. *Planning practice and research*, 26(4): 481-508. Retrieved:
  25. <https://doi.org/10.1080/02697459.2011.582357>
  26. Crowe, T. (2000). *Crime prevention through environmental design*. revised by Lawrence Fennelly, Third edition, Waltham, MA, USA, Butterworth-Heinemann.
  27. Doeksen, H. (1997). Reducing crime and the fear of crime by reclaiming New Zealand's suburban street. *Landscape and urban planning*, 39(2-3), 243-252. Retrieved: [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(97\)00057-1](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(97)00057-1)
  28. Frank, R., Andresen, M. A., & Brantingham, P. L. (2012). Criminal directionality and the structure of urban form. *Journal of Environmental Psychology*, 32(1): 37-42.
  29. Retrieved: <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2011.09.004>
  30. Hoyt, L. M. (2005). Do business improvement district organizations make a difference? Crime in and around commercial areas in Philadelphia. *Journal of Planning Education and Research*, 25(2): 185-199. Retrieved: <https://doi.org/10.1177%2F0739456X05279276>
  31. Li, J., Liu, Q., & Sang, Y. (2012). Several issues about

- urbanization and urban safety. *Procedia engineering*, 43: 615-621. Retrieved: <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2012.08.108>
32. Loukaitou-Sideris, A., & Eck, J. E. (2007). Crime prevention and active living. *American Journal of Health Promotion*, 21: 380-389. Retrieved: <https://doi.org/10.4278%2F0890-1171-21.4s.380>
33. Nemeth, E. (2007). Cultural security: The evolving role of art in international security. *Terrorism and Political Violence*, 19(1): 19-42. Retrieved: <https://doi.org/10.1080/09546550601054550>
34. Nemeth, J., & Schmidt, S. (2007). Toward a methodology for measuring the security of publicly accessible spaces. *Journal of the American Planning Association*, 73(3): 283-297. Retrieved: <https://doi.org/10.1080/01944360708977978>
35. Ren, L., “Solomon” Zhao, J., Lovrich, N. P., & Gaffney, M. J. (2006). Participation community crime prevention: who volunteers for police work? *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, 29(3): 464-481. Retrieved: <https://doi.org/10.1108/13639510610684700>
36. Rowley, A. (1996). Mixed-use development: ambiguous concept, simplistic analysis and wishful thinking. *Planning Practice & Research*, 11(1): 85-98.
37. Retrieved: <https://doi.org/10.1080/02697459650036477>
38. Schneider, R.H., & Kitchen, T. (2002). *Planning for crime prevention: a transatlantic perspective*, London, Routledge.
39. White, G. F. (1990). Neighborhood permeability and burglary rates. *Justice Quarterly*, 7(1): 57-67. Retrieved: <https://doi.org/10.1080/07418829000090471>